تلاش صاحب حدائق در روایات شیاع، مقدمه‌ای برای بیان مدیریت امتثال در بلد مسلمین

از کارهای خوبی که برای توضیح این منابع شده، کاری است که مرحوم صاحب حدائق انجام داده‌اند. دیروز عرض کردم که صاحب حدائق بحث‌شان مقداری آشفته است. معمولاً حدائق منظم‌نویس هستند. خیلی مثل جواهر نیست. کما اینکه مصباح الفقیه خیلی منظم می‌نویسند. اینجا از جاهایی است که صاحب حدائق در بحث شیاع، بحث کرده‌اند. بعد سر بینه بحث کرده‌اند. طوری است که باید دو-سه بار با دقت مطالب‌شان را بخوانید تا دورنمایی از بحث شریف‌شان در ذهن شما بیاید.

آن بخشی که منظور من است، هفت روایت است که برای مقصود ما خیلی مهم است. در شیاع می‌فرمایند:

> **ظاهر كلام أصحابنا (رضوان الله عليهم) عدم الوقوف على نص يدل على ذلك حيث لم يوردوا له دليلا من الاخبار و إنما بنوا الحكم فيه على نوع من الاعتبار بل صرح المحدث الكاشاني في المفاتيح بعدم النص في ذلك، و حينئذ فإن حصل به العلم و اليقين و أثمر القطع دون التخمين فالظاهر انه لا إشكال في اعتباره و العمل بمقتضاه بل ربما يدعى استفادته بهذا المعنى من الاخبار، مثل الأخبار الدالة على ان الصوم للرؤية و الفطر للرؤية بأن يكون المعنى فيها ان كل من الصوم و الفطر مترتب على العلم بالرؤية أعم من أن يكون برؤية المكلف نفسه أو بالشياع الموجب للعلم[1].**

«ظاهر كلام أصحابنا (رضوان الله عليهم) عدم الوقوف على نص يدل على ذلك»؛ یعنی اصحاب فرموده‌اند که در مسأله شیاع ما یک نصی نداریم که آن نص بگوید شیاع از طرق ثبوت هلال است. فلذا بعداً می‌گویند که از مصادیق حصول علم است، علم هم همه جای است. بعد می فرمایند **«بل صرح المحدث الكاشاني في المفاتيح بعدم النص في ذلك»؛** در حجیت شیاع، **«و حينئذ فإن حصل به العلم و اليقين و أثمر القطع دون التخمين فالظاهر**

انه لا إشكال في اعتباره و العمل بمقتضاه بل ربما يدعى استفادته بهذا المعنى من الاخبار»؛ از «و مما یمکن ان یستدل» شروع می‌کنند. خب ایشان چه کار کرده‌اند؟

صاحب حدائق که از روایات و ریخت دلالت آنها شروع کردند، دیدند که این روایات برای مسأله شایع خوب است. خب ببینید ایشان اینها را برای شایع آورده‌اند، بعداً هم نتیجه می‌گیرند که شایع یعنی شایعی که مفید علم باشد. حتی عده‌ای از اصحاب که گفته اند شایع مفید ظن، خوب است، ایشان قبول نمی‌کنند. دلیلشان جالب است. حالا روایات ایشان را ببینیم. همین که این روایات را آورده‌اند خیلی خوب است. می‌گویند این روایات دال بر شایع است. البته در دومی می‌گویند «و ان لم یتنبه له احد من علمائنا الاعلام». یعنی از این روایات می‌تواند برای حجیت شایع استفاده شود.

اولین آنها چیست؟

> **و يمكن أن يستدل على اعتبار الشياع من الاخبار بما رواه الشيخ في التهذيب عن سماعة «انه سأله عن اليوم في شهر رمضان يختلف فيه؟ فقال: إذا اجتمع أهل المصر على صيامه للرؤية فاقضه إذا كان أهل المصر خمسمائة إنسان»[2]**

این یک روایت است که می‌خواهند بگویند دال بر حجیت شایع است. خب عبارت روشن است: «هر گاه اهل یک بلد اجتماع کنند که آن روز را روزه بگیرند، شما هم قضاء بکن، زمانیکه اهل آن شهر پانصد نفر بودند».

شاگرد: «إذا اجتمع أهل المصر على صيامه للرؤية»، به چه معنا است؟ یعنی همه آنها براساس رؤیت دو نفر روزه گرفتند یا همه آنها رؤیت کردند؟

استاد: ظاهرش این است که مبدأ صیام آنها رؤیت بوده.

شاگرد: ولو رؤیت دو نفر باشد.

استاد: بله، نه اینکه همه آن پانصد نفر رؤیت کرده باشند. همینی است که می‌خواهم در تنقیح مناط نزدیک بشویم.

شاگرد: فرض اطمینان را نمی‌گویید؟

استاد: فتوا فعلاً این است که می‌گویند شایع حتماً باید موجب علم شود. مرحوم سید هم تصریح کردند وسایری هم می‌گویند. لذا سید در متن عروه فرمودند: «اذا علم مستند الحاكم مثل اعتماده على الشياع الظنی». یعنی وقتی بر شایع ظنی اعتماد کردند، علم داریم که اشتباه کرده‌اند. مشهور فعلاً این است. این روایت اول.

روایت دوم؛

> **و ما رواه أيضا في الكتاب المذكور بسنده عن عبد الحميد الأزدي قال: «قلت لأبي عبد الله (عليه السلام) أكون في الجبل في القرية فيها خمسمائة من الناس؟ فقال: إذا كان كذلك فصم بصيامهم و أفطر بفطرهم»[3]**

صاحب حدائق می‌گویند که این روایات، بر شیاع دلالت دارد. یعنی حالت حجیت شیاع را می رساند.

---

[1] الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة ج ۱۳ ص۲۴۳

[2] همان ص۲۴۴

[3] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مه 2026 12:28:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2026 12:31:11 توسط ... .